

تبیین خوشه‌ای شدن جرم در منطقه ۱۲ شهر تهران براساس نظریه نابسامانی اجتماعی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۱

حافظ مهدنژاد^۱، فریاد پرهیز^۲

از صفحه ۹۷ الی ۱۱۶

چکیده

زمینه و هدف: عوامل اقتصادی، اجتماعی و مکانی بر شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز تأثیر می‌گذارد. بر همین اساس هدف پژوهش حاضر تبیین شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز در منطقه ۱۲ شهر تهران بر اساس مؤلفه‌های نظریه نابسامانی اجتماعی است. **روش‌شناسی:** روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از روش‌های کاربردی نظیر بیضی انحراف معیار و تحلیل عاملی در محیط سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) می‌باشد.

یافته‌ها: مقدار آماره موران برای مجموع جرایم شهری در منطقه ۱۲، ۰/۳۴ و نمره Z، ۱۵/۸۶ است که نشان‌دهنده خوشه‌ای بودن آنها است. کانون‌های جرم خیز بر کانون‌های فقر نظیر ارگ پامنار، فردوسی-لاله‌زار، بهارستان سعدی، مختاری تختی، قیام، کوثر، شوش و سیروس تمرکز دارند. منطقه ۱۲ با ۳/۱۷٪ کل جمعیت و ۲/۷ درصد کل مساحت شهر تهران، ۹/۳۲ درصد جرایم شهر تهران در آن رخ داده است. همین‌طور تحرک مسکونی بالا و تنوع قومی، خودکنترلی منطقه را کاهش داده است. **نتیجه‌گیری:** مؤلفه‌های فقر، تراکم جمعیت و تنوع قومی زمینه‌های تسهیل وقوع جرایم در منطقه ۱۲ را فراهم نموده‌اند. در واقع، نوعی همبستگی مثبت بین این مؤلفه‌ها و وقوع جرم در منطقه ۱۲ وجود دارد.

واژه‌های کلیدی

کانون‌های جرم خیز، فقر، تراکم، تنوع قومی، منطقه ۱۲.

۱. دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری- دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)،

h.mahdnejad@gmail.com

۲. دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری- دانشگاه اصفهان، faryad1364@gmail.com

مقدمه

مسائل امنیت عمومی نظیر تهدید جرم، از مهم‌ترین چالش‌های عصر حاضر به شمار می‌آیند. دانش علمی در خصوص جنبه‌های فضایی جرم برای محدودسازی و بهبود امنیت عمومی نقش مهمی دارد. توجه به جرم در شهرهای بزرگ از علائق رشته‌های مختلف نظیر جغرافیای شهری، جامعه‌شناسی شهری، اکولوژی اجتماعی، جرم-شناسی و جرم‌شناسی محیطی محسوب می‌شود. هر رشته‌ای، پدیده جرم را از دیدگاه خاص خود و با استفاده از روش‌ها و اصطلاحات مخصوص خود بررسی می‌کند. با وجود این، اهمیت مؤلفه‌های تعیین‌کننده فضایی، جغرافیایی یا محیطی به رسمیت شناخته شده و از لحاظ تجربی توسط رایس و اسمیت^۱ (جامعه‌شناسی)، راح و لایپنینگ^۲ (جرم‌شناسی) و هربرت^۳ (جغرافیا) تحلیل شده است. بیشتر رویدادهای مجرمانه در مناطقی اتفاق می‌افتد که مشخصه‌های کاربری اراضی، امکانات رفاهی و جمعیت خاصی دارای هستند (سایپیون-داتکوسکا و لیتنر،^۴ ۲۰۱۷: ۱). شاو و مکی بر عوامل ساختاری در تشکیل کانون‌های جرم خیز تأکید دارند. به باور آنها، نابسامانی یا شکست کنترل اجتماعی، ساکنان محله‌ها را از حل مسائل باز و تحقق اهداف دوجانبه در چارچوب شبکه‌های اجتماعی بین‌فردی می‌دارد. بین سطوح بالای بی‌ثباتی، ناهمگنی قومی و نژادی و زیان اقتصادی با سطوح پایین انسجام اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی محله همبستگی مثبتی وجود دارد (لودریک، ۲۰۱۵: ۱۰). بر همین اساس هدف مقاله حاضر تبیین رابطه بین این مؤلفه‌ها و وقوع بزه در منطقه ۱۲ شهر تهران است.

بیان مسأله

نظریه نابسامانی اجتماعی ارتباط بین نرخ جرم در محله‌های شهری و شرایط اجتماعی اجتماعات را بررسی می‌نماید. این ایده که ساکنان یک اجتماع

1. Rice and Smith

2. Roh and Leipning

3. Herbert

4. Sypion-Dutkowska & Leitner

سازمان یافته برای حفظ نظم باهم کار می‌کنند از ایده‌های دور کهیم در دهه ۱۸۹۰ نشأت گرفته است. دور کهیم استدلال کرده است که اعتقادات به‌اشتراک گذاشته شده یا به تعبیر وی «آگاهی جمعی» نقش مهمی در متحد کردن جامعه به سمت دستیابی به سعادت و بهروزی ایفا می‌نمایند و بنابراین در چنین جامعه‌ای، نظم حفظ می‌شود. نظریه نابسامانی از این دیدگاه، اخذ شده است. به طور مفهومی، نابسامانی اجتماعی درباره این موضوع است که چگونه ساکنان یک محله، خود را برای حفظ نظم در اجتماع سازماندهی می‌کنند (عمر،^۱ ۲۰۱۷: ۳۱). این نظریه معتقد است جرم به‌طور خوشه‌ای اتفاق در مناطقی می‌افتد که دارای سه مشخصه کلیدی مشتمل بر «پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین، ناهمگنی قومی و تحرک مسکونی و تراکم شدید» است (اوریز، ۲۰۱۶: ۱۴). تراکم و بی‌ثباتی جمعیت، شبکه اجتماعی اجتماع شهری را مختل می‌سازد؛ تنوع قومی موجب عدم ارتباط کارآمد اعضای اجتماع با هم می‌شود و در نهایت ساکنان فقیر، منابع یا سرمایه اندکی برای تغییر محیط اطراف خود دارند. یک اجتماع نابسامان در نتیجه این سه مؤلفه دچار آشفتگی می‌گردد، چنان‌چه توانایی ساکنان جهت نظارت و کنترل رفتار جوانان تضعیف می‌شود و این امر به نرخ بالای جرم و بزهکاری می‌انجامد (جانان و آلن،^۲ ۲۰۱۰: ۶). در این میان، منطقه ۱۲ شهر تهران به خاطر مجموعه‌ای از ویژگی‌های منطبق با نظریه نابسامانی اجتماعی به کانون تمرکز جرم و بزهکاری در کلانشهر تهران تبدیل شده است. نخست، به علت زوال شهری و مهاجرت ساکنان اصیل، این منطقه به مکان سکونت طبقه کم‌درآمد از قومیت‌های مختلف تبدیل گردیده است. دوم، بواسطه بازار و کارکردهای مختلف آن، منطقه ۱۲ به متراکم‌ترین منطقه تهران تبدیل گردیده و همین امر زمینه را برای وقوع بسیاری از جرایم فراهم ساخته است. سوم، پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین ساکنان موجب عدم ظرفیت توسعه سازمان‌های اجتماعی شده که این امر به محدود شدن تعاملات ساکنان یا یکدیگر از

1. Umar

2. Jonathan & Allen

طریق نهادهای اجتماعی منتهی شده است. بر همین مبنا هدف مقاله حاضر، تبیین علل تشکیل کانون‌های جرم‌خیز در منطقه ۱۲ بر اساس مؤلفه‌های نظریه نابسامانی اجتماعی است.

مبانی نظری پژوهش

نظریه نابسامانی اجتماعی نشان‌دهنده تغییر دائمی نظریه‌پردازان در خصوص شیوه برخورد با جرم و عناصر کاتالیزور آن است (والر،^۱ ۲۰۱۲: ۲). تمرکز اصلی این نظریه بر مؤلفه‌های اجتماعی و تغییرات اجتماعی است؛ چنان که تفاوت‌های مربوط به نرخ‌های جرم، محصول ساختارهای اجتماعی مکان‌هاست (لی،^۲ ۲۰۰۹: ۴۲). نظریه نابسامانی اجتماعی، تغییرات سریع اجتماعی را به عنوان علت شکسته شدن کنترل‌های اجتماعی محله‌ای درک کرده است (گرام،^۳ ۲۰۰۳: ۵). نظریه نابسامانی اجتماعی به عنوان توانایی اعضای جامعه برای دستیابی به ارزش‌های مشترک یا حل مسائل تجربه شده به‌طور مشترک تعریف شده است. نظریه نابسامانی اجتماعی از دیدگاه کارکردگرایی ساختاری^۴ نشأت گرفته است و بنابراین به بررسی این موضوع می‌پردازد که عملکردهای جامعه به عنوان یک کل، بر همدیگر تأثیر می‌گذارند (گوردون،^۵ ۲۰۱۲: ۵).

کلیفورد شاو و مک‌کی هنری^۶ استدلال نموده‌اند که سه عامل ساختاری مشتمل بر «جایگاه اقتصادی پایین، ناهمگنی قومی و تحرک مسکونی» به اژه‌هم گسیختگی نظم اجتماع منجر می‌گردند که این مساله به نوبه خود مسئول تغییرات و دگرگونی‌ها در جرم و بزهکاری به شمار می‌آید (سامپسون و کریوز،^۷ ۱۹۸۹: ۷۷۴). آنها استدلال کرده‌اند «همان‌طوری که اجتماعات، کنترل بر رفتار در چارچوب مرزهای خود را از دست می‌دهند و هیچ‌گونه اتفاق نظری در خصوص چارچوب‌های

1. Waller

2. Li

3. Crum

4. Structural Functionalist Perspective

5. Gordon

6. Clifford Shaw and Henry McKay

7. Sampson & Groves, 1989

رفتاری وجود نداشته باشد، جرم و جنایت افزایش پیدا می‌کند» (ولچ،^۱ ۲۰۱۰:۲). به عبارت دیگر، محله‌های با میزان بالای جرم آنهایی هستند که پایگاه اقتصادی آنها در شرایط مناسبی قرار ندارد؛ ترکیب جمعیت به گونه‌ای متجانس توزیع نشده است و تراکم بالایی دارند (دوگرتی،^۲ ۲۰۱۵:۹). از دیدگاه شاو و مک کی (۱۹۴۲)، اجرای ضعیف کنترل اجتماعی، جرایم را به وجود می‌آورد (یوتنبوگارد،^۳ ۲۰۱۳:۱۱). نظریه آنها بر مبنای این منطبق بود که نزدیک بودن همسایه‌ها و پس از آن تلاش‌های جمعی و اشتراکی آنها به‌طور مستقیم به کنترل اجتماعی مشکلات اجتماع کمک می‌کند. وقتی نگرانی‌ها و مشکلات اجتماع رخساره می‌نماید، همسایگان می‌توانند منابع را برای حل و فصل نگرانی‌ها بسیج کنند. نزدیکی هر چه بیشتر اجتماع به یکدیگر، آنها را در شناسایی مسائل رایج، کارآمدتر خواهد کرد، منابع را بسیج خواهد نمود و در نهایت وقوع و یا شدت جرم و جنایت و خشونت‌های آینده اجتماع را کاهش خواهد داد (مادیان،^۴ ۲۰۱۱:۲۳).

مطالعاتی که فرض کرده‌اند رابطه مستقیمی بین جرم و تراکم وجود دارد به طور گسترده‌ای به سه نظریه استناد کرده‌اند: نظریه ازدحام جمعیت و رفتارهای ضداجتماعی^۵ (لورنز،^۶ ۱۹۶۷)؛ نظریه ارتباط بین تراکم و فقر^۷ (کورتیس،^۸ ۱۹۷۵) و نظریه افزایش فرصت برای جرم^۹ (هریس،^{۱۰} ۱۹۷۴) در مناطق پرجمعیت. این ایده‌ها بر مشخصه‌های جمعیتی و زیست‌محیطی در نظریه‌پردازی ارتباطات علت و معلولی متمرکز شده‌اند. مطالعاتی که فرض نموده‌اند رابطه‌ای منفی بین جرم و تراکم برقرار است به نظریه جیکوبز (۱۹۶۱) استناد کرده‌اند؛ جیکوبز تاکید کرده

-
1. Welch
 2. Dougherty
 3. Uittenbogaard
 4. Madyun
 5. Theory of overcrowding and anti-social behavior
 6. Lorenz
 7. Theory of association between density and poverty
 8. Curtis
 9. Theory of increased opportunity for crimes
 10. Harries

است که خیابان‌های شلوغ و مملو از جمعیت (بخصوص خیابان‌هایی که پنجره‌های متعددی بر آنها مشرف است) از وقوع جرم به عنوان یک رفتار جلوگیری می‌کنند. این تبیین محیطی تأکید دارد که نظارت محله‌های غیررسمی از وقوع جرم و بزهکاری پیشگیری به عمل می‌آورد (کریستنس و اسپیرر،^۱ ۲۰۰۵: ۱۱۴).

پیشینه پژوهش

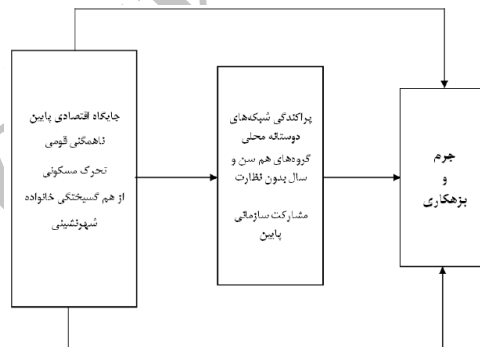
سمپسون و گراو جهت آزمون میزان اثرگذاری شاخص‌های نظریه نابسامانی اجتماعی، داده‌های مربوط به ۲۳۸ محله از شهرهای بریتانیا را تحلیل نموده‌اند. حاصل پژوهش آنها مطرح نمودن شاخص‌هایی نظیر شبکه‌های دوستی، کنترل گروه‌های هم‌سن‌وسال خیابانی و توسعه نظریه سطح اجتماع بوده است (سیلوا،^۲ ۲۰۱۴: ۲۱۸). مارتین^۳ (۲۰۰۲) معتقد است نظریه نابسامانی اجتماعی به بررسی این امر می‌پردازد که چگونه توزیع فضایی فقر، بیکاری، عدم تجانس قومی، ثبات مسکونی و کنترل اجتماعی غیررسمی می‌تواند سطح سازماندهی اجتماعی محله را تعیین کند (لارو،^۴ ۲۰۱۳: ۶). بر اساس نتایج پژوهش وانگ^۵ (۲۰۰۷)، در اجتماعات و هسته‌های شهری که با کاهش مستمر جمعیت مواجه هستند، اعضای طبقه متوسط، جوانان، افراد مولد و توانمند و با مهارت در جست‌وجوی شغل به مکان‌ها و محله‌های بهتر مهاجرت می‌کنند. این امر موجب کاهش سرمایه‌های انسانی، و منابع مالی و نابسامانی و آشفتگی و در نتیجه کاهش توانایی اجتماع برای کنترل جرم و بزهکاری می‌گردد. به دنبال آن، تحرک جغرافیایی جمعیت برای جایگزینی جمعیت رو به زوال اتفاق می‌افتد. تحرک بالای جمعیت موجب بی‌ثباتی در روابط اجتماعی و ساختار اجتماعی می‌گردد و این امر توانایی اجتماع برای مقابله با آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی را تضعیف می‌سازد (وانگ،^۶ ۲۰۰۷: ۴۸). نتایج پژوهش شیچر،

-
1. Christens & Speer
 2. Silva
 3. Martin
 4. La Rue
 5. Wong

دکر و اوبراین^۱ (۱۹۸۰) در ۲۶ شهر حاکی از رابطه مثبت بین جرایم بر اموال و تراکم است؛ در عین حال رابطه‌ای منفی بین جرایم غیراموال و تراکم برقرار است. این مطالعه یافته‌های خود در خصوص رابطه بین تراکم و جرایم بر اموال را به این واقعیت نسبت داد که بسیاری از جرایم در مناطق با تراکم بالا به خاطر تماس‌های گریزناپذیر افراد است؛ اما ایده گردش خیابان‌ها در همه زمان‌ها به عنوان یک عامل بازدارنده در مقابل جرایم غیراموال عمل می‌کند. با وجود این، سامپسون (۱۹۸۳) فرض کرده است که بین تراکم ساختاری (درجه‌ای که یک منطقه بواسطه ساختمان‌ها پر شده است) و جرم رابطه مستقیمی وجود دارد چرا که این امر از کنترل‌های اجتماعی جلوگیری به عمل می‌آورد (کریستنس و اسپیرر، ۲۰۰۵: ۱۱۳).

مدل مفهومی پژوهش

پژوهش حاضر بر این باور است که تلفیق مؤلفه‌های فقر شهری، تراکم بالای جمعیت و تنوع قومی زمینه‌های شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز در منطقه ۱۲ را فراهم نموده است (شکل شماره ۱). مدل مفهومی پژوهش که در زیر آمده، برگرفته از مبانی نظری و پیشینه پژوهش است.



شکل شماره ۱- مدل مفهومی پژوهش

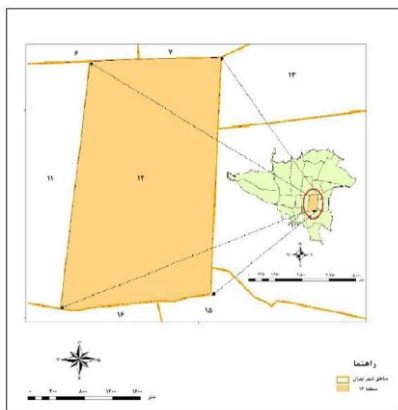
1. Shichor, Dekker, and O'Brien

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و برای تعیین کانون‌های جرم‌خیز در منطقه ۱۲ شهر تهران از شاخص موران و شاخص نزدیک‌ترین همسایه استفاده شده است. جامعه آماری شامل ۵۶۰ فقره جرم است که در منطقه ۱۲ کلانشهر تهران رخ داده است. برای سنجش فقر شهری، جامعه آماری منطقه ۱۲ کلانشهر تهران در سال ۱۳۹۰ می‌باشد. اطلاعات مورد نیاز از بلوک‌های آماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران اخذ گردید بدین صورت که در نرم افزار Arc/View , Arc/GIS و با استفاده از اطلاعات موجود در بانک اطلاعاتی شروع به شاخص‌سازی کرده و سپس از شاخص‌ها خروجی گرفته و به محیط Excel انتقال داده شده است. بعد از انجام مراحل فوق شاخص‌ها را به محیط نرم افزار SPSS منتقل نموده و از طریق مدل تحلیل عاملی نسبت به تعیین پهنه‌های مکانی فقر اقدام شده است. بلوک‌های منطقه در ۵ گروه خیلی ثروتمند، ثروتمند، متوسط، خیلی فقیر و فقیر طبقه‌بندی گردیده‌اند. در نهایت برای تحلیل رابطه بین فقر و تراکم و جرم از GIS استفاده شده است.

مورد مطالعه

منطقه ۱۲ مشتمل بر هسته مرکزی و تاریخی شهر تهران است و با مساحتی معادل ۱۶۰۰ هکتار (۳/۲٪ محدوده تهران)، شامل ۶ ناحیه و ۳۱ محله است. ۵۰/۹۷٪ مساحت منطقه ۱۲ را فضاهای مسکونی (معادل ۵۶/۸۴٪ کل کاربری‌ها را). ۲۰/۱۴٪ کاربری تجاری و اداری (۲۹/۶۷٪) و ۳۵٪ کاربری خدمات شهری (به غیر از تجاری و اداری) را به خود اختصاص داده است. در ضمن ۰/۴۱، ۰/۹۱ و ۴/۳۹ از مساحت منطقه ۱۲ به ترتیب به کاربری‌های سایر، بایر ساخته نشده و صنعتی و کارگاهی اختصاص یافته است.



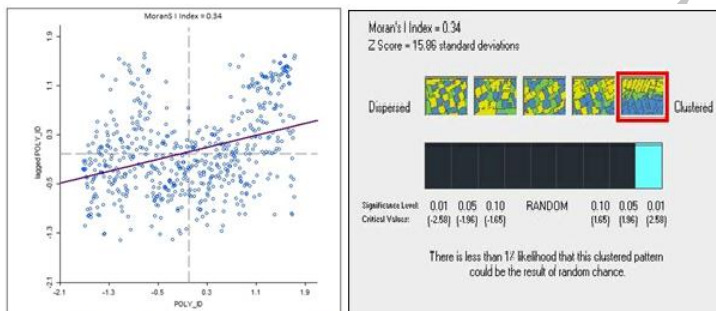
شکل شماره ۲- محدوده جغرافیایی پژوهش

یافته‌های پژوهش

پهنه‌بندی کانون‌های جرم‌خیز در منطقه ۱۲ شهر تهران

در این پژوهش از شاخص موران برای محاسبه خود همبستگی فضایی کل جرایم شهری در منطقه ۱۲ کلانشهر تهران استفاده شده است. مقدار آماره موران برای مجموع جرایم شهری در منطقه مورد مطالعه، $0/34$ و نمره Z ، $15/86$ محاسبه شده است. با توجه به مثبت بودن مقدار آماره موران و بزرگ بودن قدر مطلق نمره Z ، الگوی پراکندگی جرایم شهری خوشه‌ای محسوب می‌شود. به عبارت دیگر با 99% اطمینان، جرایم شهری در منطقه ۱۲ به صورت خوشه‌ای در سطح فضا توزیع شده است. برای اطمینان از صحت آزمون موران از آزمون‌های مشابه مانند شاخص نزدیکترین همسایه نیز استفاده گردید. میزان شاخص نزدیکترین همسایه در پراکندگی کل جرایم ارتكابی در منطقه ۱۲ شهر تهران برابر $0/73$ می‌باشد که براساس این مقدار توزیع فضایی کل جرایم در منطقه ۱۲ خوشه‌ای است زیرا اگر نتیجه آزمون شاخص نزدیکترین همسایه برابر یک باشد، داده‌های بزهکاری به صورت تصادفی توزیع شده است. اگر نتیجه کوچکتر از یک باشد بیانگر خوشه‌ای بودن داده‌های مجرمانه است و اگر شاخص نزدیکترین همسایه بزرگتر از یک باشد نشانگر توزیع یکنواخت داده‌های مجرمانه است. براساس مقدار Z این جرایم که

معادل ۱۱/۸۲- می‌باشد تأییدکننده خوشه‌ای بودن توزیع فضایی نقاط مربوط به کل جرایم در محدوده مورد پژوهش یعنی منطقه ۱۲ می‌باشد. نمره Z را می‌توان برای اطمینان از صحت آزمون شاخص نزدیکترین همسایه بکار گرفت. هر چه نمره Z عدد منفی بزرگتری باشد می‌توان به درستی نتیجه آزمون شاخص نزدیکترین همسایه اطمینان کرد.

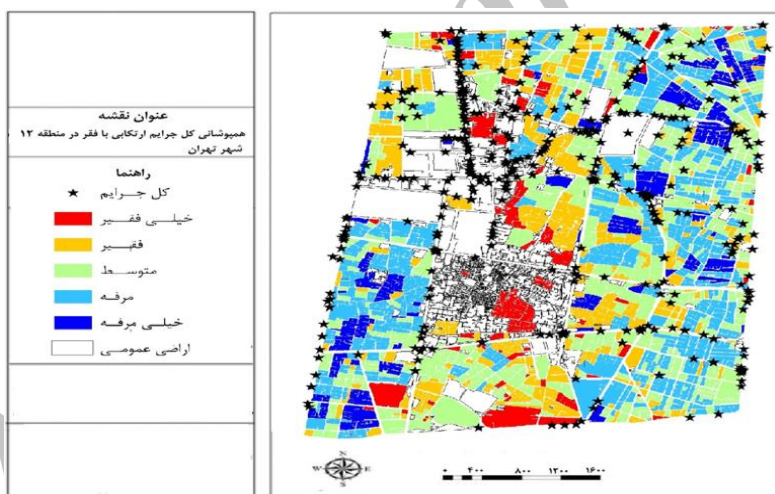


شکل شماره ۳- پراکنندگی جرایم در سطح منطقه ۱۲ با استفاده از شاخص موران تبیین نظری علل شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز در منطقه ۱۲ شهر تهران براساس مدل مفهومی پژوهش اقدام به تحلیل خوشه‌ای شدن جرم در سطح منطقه ۱۲ شهر تهران شده است. عمده‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در تشکیل کانون‌های جرم خیز از دیدگاه نظریه نابسامانی اجتماعی و جرم در منطقه ۱۲ کلانشهر تهران عبارتند از:

۱) همپوشانی فقر و جرم در منطقه ۱۲ شهر تهران

بررسی فقر شهری در منطقه ۱۲ نشان می‌دهد تعداد ۵۳ بلوک (۵٪) خیلی مرفه، ۲۷۷ بلوک (۲۶٪)، ۴۰۱ بلوک (۳۸٪)، ۲۵۷ بلوک (۲۴٪) و ۷۳ بلوک (۷٪) خیلی فقیر شناخته شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد نوعی همپوشانی بین کانون‌های جرم خیز و فقر در منطقه ۱۲ شهر تهران وجود دارد. به طوری که تمرکز جرم در پهنه‌های ارگ پامنار، فردوسی- لاله زار، بهارستان- سعدی، مختاری- تختی، ژاله آبردار قیام، کوثر، دروازه غار شوش و سیروس بوضوح مشخص است. فقر و محرومیت درآمدی، سکونت و شغلی و فرسودگی و افت بافت کالبدی و اجتماعی مهمترین مشخصه

ساکنان این پهنه‌های منطقه ۱۲ است. از این نظر وضعیت موجود در منطقه ۱۲ کاملاً با نظریه نابسامانی اجتماعی (شاو و مک‌کی) مطابقت دارد. به این معنا که بین محرومیت اجتماعی و مسائل شهری رابطه مستقیمی وجود دارد. نظریه‌های بی-نظمی اجتماعی نوین بر نقش فرآیندهای شهری بسط‌یافته روی توسعه ناهنجاری‌های اجتماعی تأکید می‌ورزند. افزون بر این، در نتیجه تضعیف شدن پیوندهای دوستی محلی، افزایش ناهنجاری و کاهش مشارکت محلی، شهرنشینی به شدت وابسته به نظارت رسمی و سیستم‌های کنترل می‌شود. در واقع، به علت تراکم شدید، تحرک جمعیتی و مسکونی یا مهاجرت‌های دورن شهری و مهاجرفرستی جمعیت در منطقه ۱۲ شهر تهران، مدیریت شهری کنترل خود بر جمعیت را از دست می‌دهد و فضاهای شهری به سمت انواع ناهنجاری‌ها، بزهکاری‌ها و نابسامانی‌ها حرکت می‌کنند.

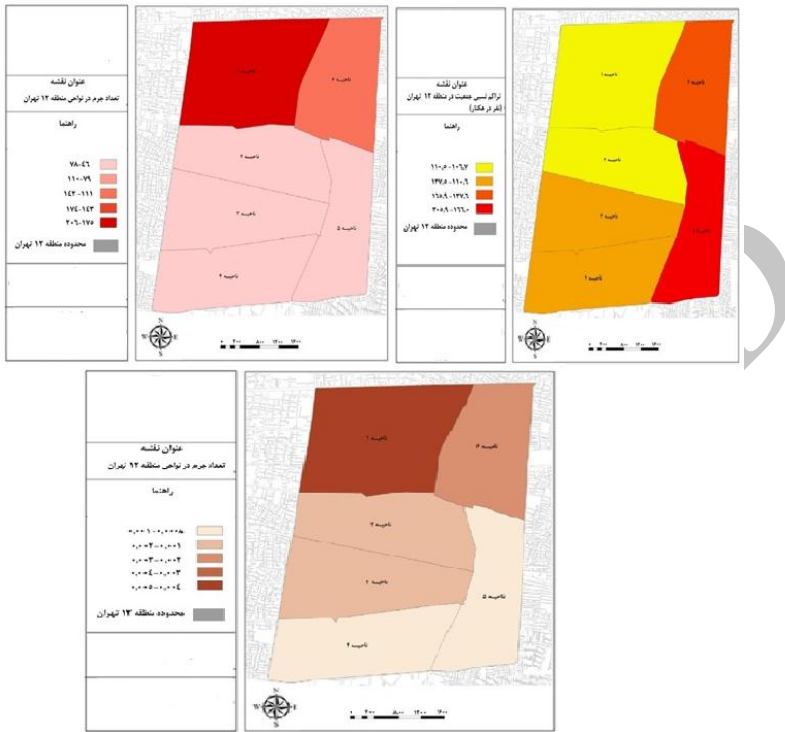


شکل شماره ۴- همپوشانی کل جرایم ارتكابی با فقر در منطقه ۱۲ شهر تهران

۲) تراکم شدید جمعیت

میزان تراکم نسبی جمعیت در منطقه ۱۲، $۱۵۴/۵$ نفر در هر هکتار است، در حالی که تراکم نسبی جمعیت در شهر تهران $۱۳۱/۶$ نفر در هر هکتار می‌باشد. بنابراین

تراکم نسبی جمعیت در محدوده منطقه ۱۲ شهر تهران بیشتر از متوسط تراکم در شهر تهران است. از سوی دیگر وسعت این بخش از شهر حدود ۱۶۰/۷ هکتار معادل ۲/۷٪ مساحت کل شهر تهران است. منطقه ۱۲ که ۳/۱۷٪ کل جمعیت و ۲/۷٪ کل مساحت شهر تهران را به خود اختصاص داده، ۹/۳۲٪ جرایم مورد بررسی شهر تهران در آن رخ داده است که نشان‌دهنده وقوع روزافزون بزهکاری در منطقه ۱۲ شهر تهران است. به منظور بررسی رابطه وقوع بزهکاری و تراکم جمعیت در این محدوده از شهر وقایع مجرمانه در ۶ ناحیه از این منطقه طبق تقسیمات شهرداری بررسی شد. دو ناحیه ۱ و ۶ محدوده‌های اصلی تمرکز جرایم هستند. شکل شماره ۵ نشان‌دهنده محدوده‌های پرتراکم از نظر جمعیت و محل قرارگیری کانون‌های جرم خیز در سطح منطقه ۱۲ شهر تهران است و نشان می‌دهد بین عامل تراکم جمعیت ساکن و وقوع بزهکاری و شکل‌گیری کانون‌های تمرکز جرایم ارتباط و همسویی قابل توجهی وجود دارد. با افزایش میزان تراکم جمعیت در منطقه ۱۲، میزان وقوع جرایم نیز در این منطقه افزایش یافته است. به بیان دقیق‌تر منطقه ۱۲ نسبت به سایر بخش‌های شهر تهران و نسبت به سطح متوسط این شهر از تراکم نسبی بالاتری برخوردار است. ضمن این‌که میزان وقوع جرایم نیز در این محدوده از شهر بسیار بیشتر است این روند در بخش‌های مختلف منطقه ۱۲ دیده می‌شود، به گونه‌ای که با افزایش میزان تراکم جمعیت میزان وقوع وقایع مجرمانه نیز افزایش می‌یابد.



شکل شماره ۵- تراکم نسبی جمعیت، تعداد جرم، تعداد جرم به جمعیت در نواحی منطقه ۱۲ شهر تهران

۳) تنوع قومی و تحرک مسکونی

تحرک مسکونی در منطقه ۱۲ بالاست. رشد جمعیت در منطقه ۱۲ از سال ۵۵ تا ۷۵ کاهنده بوده و از آن زمان تا سال ۸۵ افزایش داشته است که این افزایش دائم نبوده و در سرشماری سال ۱۳۹۰ نیز با کاهش جمعیت ثابت منطقه روبرو هستیم. گریز جمعیت اصیل و کثرت مهاجران و خانوارهای تک نفره حاکی از ناپایداری و عدم تعلق جمعیت ساکن در این منطقه است. چنانچه جمعیت آن در سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب برابر با ۳۰۱۷۰۱، ۲۳۰۶۵۷، ۱۸۵۶۲۵، ۲۴۸۰۴۸ و ۲۴۰۷۲۰ نفر بوده است (آزادبخت، ۱۳۹۴). به علت وجود مجموعه‌ای از عوامل نظیر فرسودگی، ریزدانی، نفوذناپذیری، ناپایداری و نا کارآمدی بافت‌های

کالبدی منطقه ۱۲، نابسامانی مکانی در آن اتفاق افتاده است. نابسامانی و بی-انضباطی فضای حاکم بر منطقه زمینه را برای سکونت خانوارهای اصیل و مرفه دشوار نموده و در نتیجه اقدام به مهاجرت و جابجایی منطقه‌ای نموده‌اند. به تبع آن افراد سرمایه‌دار و مرفه بازار، به علت تحرک مسکونی سرمایه‌های خود را در خارج از منطقه خرج می‌کنند و لذا فقر بر سیمای منطقه سایه افکنده است. بنابراین هویت محله‌ای در فضای منطقه از بین رفته و جای خود را به تنوع قومی و درآمدی (عموماً خانوارهای فقیر و کم‌درآمد) داده است. احساس تعلق به منطقه در بین ساکنان رنگ می‌بازد چرا که افراد صرفاً به دلایل اقتصادی (فقر ساکنان) در این منطقه سکونت می‌کنند. این وضعیت باعث عدم مشارکت ساکنان در فرآیند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اقدام به سازماندهی محیط کالبدی و اجتماعی در بین ساکنان می‌شود. در نتیجه کنترل محله‌ای و نظارت اجتماعی در سطح محله‌های منطقه ۱۲ از بین رفته است و زمینه را برای بروز انواع نابسامانی‌ها و جرایم اجتماعی مستعد و هموار ساخته است. بنابراین، آسیب‌های اجتماعی به بخشی از جریان روزمره زندگی در سطح منطقه ۱۲ شهر تهران تبدیل شده‌اند و به صورت عریان در سطح منطقه دیده می‌شوند؛ بنابراین پیوندهای فرد با جامعه تضعیف شده است. این وضعیت بیانگر خودکنترلی پایین و عدم نظارت اجتماعی رسمی و غیررسمی کارآمد در سطح منطقه است. افزون بر این وضعیت نابسامان و آشفته منطقه ۱۲ با نظریه‌های پیوند افتراقی (ادوین ساترلند) کاملاً مطابقت دارد. به این معنا که بر اساس نظریه پیوند افتراقی یا فراوانی معاشرت، جنایت و انحراف از راه انتقال فرهنگی در گروه‌های اجتماعی واقع می‌گردد. فرضیه اصلی نظریه ساترلند این است که رفتار انحرافی مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق همبستگی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. فرد بزه‌کار در طول حیات خود از طریق پیوستگی و ارتباط با دیگران، انگیزه‌ها و گرایش‌ها، ارزش‌های انحرافی را فرا می‌گیرد. مردم به نسبت همنشینی و ارتباطی که با قانونشکنان دارند، کجرو می‌شوند. تکدی‌گری فراوان، تخریب آشکار مواد مخدر در انظار عمومی بخصوص در محله‌های سیروس، شوش هرنندی، عودلاجان، امامزاده

یحیی، سنگلج و ... این انتقال فرهنگی را تسریع می‌بخشد. همچنین براساس این نظریه افراد از راه مشاهده و مدل‌سازی شیوه‌های سوء‌مصرف مواد مخدر، خرید و فروش آن به سمت انحرافات اجتماعی سوق پیدا می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر مطابق با نتایج تحقیقات گوناگون نظیر چاملین (۱۹۸۹)، وارنر و پیرس (۱۹۹۳)، وارنر و گردیری (۱۹۹۷)، بلایر (۱۹۹۷)، کوبرین (۲۰۰۰)، اسکود و چمبرز (۲۰۰۰)، بارنت و منکن (۲۰۰۲)، کنسینیو (۲۰۰۳)، ووپس، بارکلی، ویند و دونرمیر (۲۰۰۴) است که نشان داده‌اند فقر، تنوع قومی و تراکم بر وقوع جرم تأثیر می‌گذارد (جاناتان و آلن، ۲۰۱۰: ۷). بسیاری از مصداق‌های نظریه نابسامانی اجتماعی در منطقه ۱۲ شهر تهران وجود دارد. نخست، پایگاه اقتصادی پایین در محله‌های منطقه ۱۲ ملموس است همان‌طوری که تحلیل طبقه‌های اجتماعی نشان می‌دهد نوعی دوقطبی فقیر و غنی در این منطقه شکل گرفته و این امر زمینه را برای ارتکاب جرایم و اعمال و رفتار مجرمانه فراهم می‌سازد. پایگاه اجتماعی اقتصادی ضعیف یا به تعبیر بهتر، فقر در شیوه‌های مختلفی به نابسامانی اجتماعی کمک می‌نماید. سطوح بالای فقر، ساکنانی را پرورش می‌دهد که فاقد هرگونه منابع لازم برای سازماندهی محله‌ای می‌باشند. همچنین ساکنان قادر نیستند منابع لازم برای تغییر در سطح اجتماع خود را جذب کنند. این فقدان منابع، به نوبه خود موجب می‌شود ساکنان در اجتماع رها شوند و این موضوع، پیوندهای اجتماعی و شبکه‌های غیررسمی را تضعیف می‌نماید. همچنین فقر موجود در محله‌ها می‌تواند بر جدایی‌گزینی و انزوای روزافزون ساکنان از جریان‌های اصلی اجتماعی تأثیر بگذارد و به ناتوانی در کنترل اشکال رفتار مجرمانه و منحرفانه کمک کند. دوم، تراکم شدید در منطقه ۱۲، زمینه‌های وقوع جرایمی نظیر کیف‌قاپی، جیب‌بری و تجاوز به‌عنف را بخصوص در ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی تسهیل

1. Chamlin; Warner & Pierce; Warner & Roundtree; Bellair; Kubrin; Osgood & Chambers

2. Barnett & Mencken; Cancino; Jobs, Barclay, Weinand, & Donnermeyer

نموده است. این امر منطقه ۱۲ را در وضعیت «گذار یا انتقالی» قرار دارند چرا که محله‌های شهری آن به خاطر هجوم جمعیت روزانه و سکونت شبانه اقشار کم‌درآمد و افراد به حاشیه‌رانده شده و طرد شده، به ثبات نرسیده‌اند. سوم، مهاجرت جمعیت اصیل و زوال منطقه ۱۲ موجب تمرکز اقشار و گروه‌های قومی و نژادی مختلفی در آن شده است. این امر باعث ازهم پاشیدگی شبکه‌های نظارت اجتماعی رسمی و غیررسمی و شبکه‌های دوستی و اعتماد شده است. افزون بر این، وضعیت موجود در منطقه ۱۲ شهر تهران با «تز انزوای اجتماعی ویلسون» مطابقت دارد که قویاً اثبات نموده در شهرها کانون‌های اصلی جرم‌خیز بر محدوده‌های مربوط به مسکن گروه-های کم‌درآمد قرار دارد. محدوده‌هایی که محل زیست و اسکان گروه‌های کم‌درآمد، فقیر، مهاجر و اجاره‌نشین است.

یافته‌های پژوهش حاضر در رابطه با رابطه بین جرم و تراکم در منطقه ۱۲ شهر تهران، مغایر با نظریه جیکوبز و مطابق با نظریه مکان انحراف، یافته‌های شوسلر^۱ (۱۹۶۲)، گلی، گو و مک‌پرسون^۲ (۱۹۷۲) است. مطابق نظریه مکان‌های انحرافی، افزایش جرم و جنایت رابطه مستقیمی با افزایش تراکم جمعیت دارد. اظهارات جین جیکوبز (۱۹۶۱) با خرد متعارف برنامه‌ریزان تناقض دارد چرا که وی ادعا داشت خیابان‌ها و پیاده‌راه‌های پرجمعیت و شلوغ می‌تواند بازدارنده‌های موثری برای رفتارهای بزهکارانه و مجرمانه باشند. تعدادی از مطالعات ملی رابطه بین تراکم و جرم را به بوته آزمون گذاشته‌اند و به نتایج متفاوتی با جیکوبز دست یافته‌اند. یافته‌های تحقیقات شوسلر (۱۹۶۲)، گلی، گو و مک‌پرسون (۱۹۷۲) نشان داده است که روابط همبستگی مثبتی بین جرم و تراکم وجود دارد (کریستنس و اسپیرر، ۲۰۰۵: ۱۱۳).

-
1. Schuessler
 2. Galle, Gove, and McPherson

پیشنهادها

- توانمندسازی و مقتدرسازی ساکنان منطقه ۱۲ از طریق دارایی‌های محله-محور و تجمیع سرمایه‌های خرد، آموزش زنان خانه‌دار و گروه‌های هدف با رویکرد افزایش مهارت کاری، نوسازی و بازآفرینی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد از راه یارانه‌های تشویقی دولت و شهرداری جهت مقابله با فقر شهری؛
- افزایش تعداد ایستگاه‌های پلیس و نهادهای مردمی تأمین امنیت در مناطق بحرانی، گشت‌زنی مستمر در ایستگاه‌های حمل‌ونقل و گره‌های ناامن بخصوص در هنگام تراکم شدید جمعیت؛
- تأمین زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی، تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد در محله‌های منطقه ۱۲ بخصوص سیروس، شوش، پامنار و غیره جهت تقویت شبکه‌های رسمی دوستی و نظارت اجتماعی و غیررسمی.

منابع

- آزادبخت، احسان (۱۳۹۴). بررسی تأثیر پیاده گسستری بر زیست پذیری مناطق شهری، مورد مطالعه: پیاده راه های کلانشهر تهران. پایان نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، کرج.
- Christens, B. & Speer, P. W. (2005). Predicting Violent Crime Using Urban and Suburban Densities, Behavior and Social Issues, 14, 113-127 (2005).
- Crum, B. (2003). Social Disorganization Theory and Crime in West Virginia. Theses, Dissertations and Capstones. Paper 553, Marshall University.
- Dougherty, R. G. (2015). Social Disorganization, Extra-Curricular Activities, and Delinquency. Electronic Theses and Dissertations. Paper 2476. <http://dc.etsu.edu/etd/2476>.
- Jonathan G. Allen, B.A. (2010). Assessing the Effects of Social Disorganization on Crime in Texas Border Counties: A Time-Series Cross-Sectional Analysis Fom 1990 to 2007, Master of Science, Graduate Council of Texas State University-San Marcos, San Marcos, Texas.
- Gordon, C. (2012). The Effect of Social Service Agencies on Crime Rates in Kansas City, Missouri, University of Missouri-Kansas City in partial fulfillment of the requirements for the degree.
- LaRue, E. (2013). Patterns of Crime and Universities: A Spatial Analysis of Burglary, Robbery and Motor Vehicle Theft Patterns Surrounding Universities in Ottawa, Thesis Degree of Master of Arts in the School of Criminology Faculty of Arts and Social Sciences, Simon Fraser University.
- Li, Y.Y. (2009). Social Structure, Social Control, and Crime in Rural Communities: A Test of Social Disorganization Theory, Degree Doctor of Philosophy in the Graduate, School of The Ohio State University.
- Louderback, E. R. (2015). Social Disorganization, Institutional Anomie and the Geographic Patterning of Instrumental Crime: Progress Towards an Integrated Theory. Open Access Theses. 549.

- Madyun, N. H. (2011). Connecting Social Disorganization Theory to African-American Outcomes to Explain the Achievement Gap, Educational Foundations, Summer-Fall 2011 .
- Ortiz, R. (2016). War on Drugs: Examining the Effects on Social Disorganization and Crime in Cities. In BS Master's Theses and Projects.Item 42.
- Sampson, R. J., and Groves, Byron. (1989). Community structure and crime: Testing socialdisorganization theory. American Journal of Sociology 94 , no. 4 : 774 -802.
- Silva, B. F .(2014). Social Disorganization and Cime Searching for the Determinants of Crime at the Community Level, Latin American Research Review, Vol. 49, No. 3. © 2014 by the Latin American Studies Association.
- Sypion-Dutkowska, N. & Leitner, M. (2017). Land Use Influencing the Spatial Distribution of Urban Crime: A Case Study of Szczecin, Poland, ISPRS Int. J. Geo-Inf. 2017, 6, 74; doi:10.3390/ijgi6030074.
- Uittenbogaard, Adriaan Cornelis. (2013). Clusters of Urban Crime and Safety in Transport Nodes, KTH Royal Institute of Technology School of Architecture and the Build Environment Dept of Real Estate and Construction Management, Stockholm 2013.
- Umar, F. (2017). Understanding Spatial Patterns of Urban Crime in a Developing Country, Ph.D Thesis, Department of Geography, University College London
- Waller, J .(2012). Defining Neighborhood: Social Disorganization Theory, Official Data, and Community Perceptions, UNLVTheses, Dissertations, Professional Papers, and Capstones. 1645
- Welch, R. 2010. Testing Social Disorganization Theory On Alcohol Consumption and Homicide Rates in Former Soviet Bloc Countries, Social Disorganization, Alcohol & Homicide.
- Wong, S. K .(2007). Disorganization Precursors, the Family and Crime: A Multi-Year Analysis of Canadian Municipalities, Western Criminology Review 8(1), 48-68 (2007).

Archive of SID